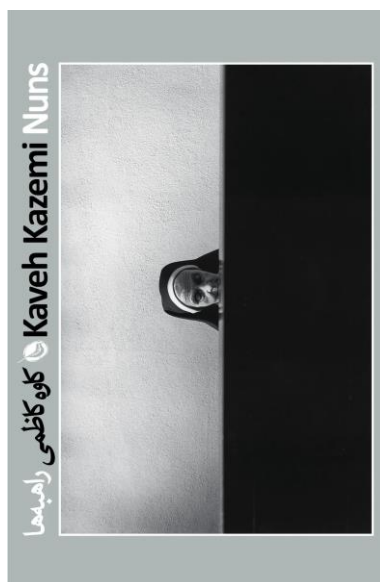


به نام تصویر، حافظه‌ی نور و ردّ زمان

- عنوان: دیر سپید
- گرد آورنده و نویسنده: عبدالله یزدان رمجی (سپهر رمجی)
- موضوع: نقد فتو بوک-راهبه ها(راهبه های فراموش نشده) /عکاس کاوه کاظمی
- نوع نقد: ساختارگرا
- تاریخ: ۱۴۰۵/۰۵/۲۰
- درس: نقد عکس
- استاد: محمد مترجم زاده
- دانشگاه: هنر ایران
- مقطع-رشته: کارشناسی ارشد عکاسی



دیر سپید

فوتوبوک «راهبه‌ها» اثر کاوه کاظمی (نشر نظر، ۱۴۰۲)، صرفاً مجموعه‌ای از تصاویر مستند از زیست رهبانی نیست، بلکه نظامی دلالت‌گر است که در آن شکل ارائه به اندازه محتوای تصویری معنا تولید می‌کند. این کتاب را می‌توان به مثابه یک «دیر کاغذی» در نظر گرفت؛ فضایی که در آن منطق چیدمان، واسطه‌ای میان مخاطب و سوژه می‌شود. در این نوشتار، مسئله اصلی، نحوه سازماندهی معنا در بدنه کتاب و چگونگی پیوند پیرامتن‌ها با تجربه زیباشناختی اثر است.

تحلیل طراحی روی جلد به عنوان «آستانه مطلق» اثر، دریچه‌ای به منطق درونی کتاب می‌گشاید. به کارگیری نوشتار عمودی و استفاده از کتراست شدید سیاه و سفید در متن جلد، نه یک انتخاب صرفاً زیبایی‌شناسانه، بلکه بازتابی فشرده از همان تقابل‌های دوگانه‌ای است که در بطن صفحات جاری است. این رویارویی متن سیاه در زمینه‌ی سپید، در کنار تصویر راهبه‌ای که از دل تاریکی سر برآورده، به مثابه الگویی کوچک از کل نظام دلالت‌گر کتاب عمل می‌کند؛ الگویی که مخاطب را نه به خواندن روایتی خطی، بلکه به درک تقابلی بنیادین میان «حضور/غیاب» و «نور/تاریکی» دعوت می‌کند. بنابراین، جلد کتاب خود به مثابه بیانیه‌ای بصری عمل کرده و نظام نشانه‌شناختی حاکم بر «راهبه‌ها» را پیش از گشودن صفحات، به مخاطب دیکته می‌کند.

یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های این فوتوبوک، مدیریت دقیق نظام بصری آن است. کاظمی از الگوی «توالی تصویر/فضای سفید» به عنوان یک استراتژی بیانی بهره می‌برد. در این نظام، صفحات سفید فقط نقش حاشیه یا جداکننده ندارند، بلکه به صورت «سکوت فعال» عمل می‌کنند. این سکوت، نه خلأ، شاید نشانه‌ای از خویشنداری و زیست رهبانی است؛ نوعی غیاب سنجیده که حضور متراکم تصاویر را تشدید می‌کند.

هر تصویر در این کتاب، نه به طور مستقل، بلکه در نسبت با فضای سفید پیرامون خود هم معنا می‌یابد. مؤلف با ایجاد این وقفه‌های بصری، مخاطب را به مکثی تعمیدی دعوت می‌کند. این ریتم غیاب و حضور،

مهم‌ترین سازوکار بازنمایی فضای صومعه است؛ جایی که امر قدسی نه در پرگویی، بلکه در ایجاز و سکوت شکل می‌گیرد. از این رو، کتاب می‌کوشد ساختار زیست راهبه‌ها را از طریق نوعی فرم گرافیکی و صفحه‌آرایی بازآفرینی کند، بی‌آنکه نیازمند توضیح مستقیم باشد.

بدن در این فوتوبوک صرفاً موضوع تصویر نیست، بلکه یکی از اصلی‌ترین حامل‌های معناست. نحوه ایستادن، نشستن، حرکت کردن یا قرار گرفتن در برابر دوربین، همگی بخشی از یک زبان غیرکلامی‌اند که نظم درونی زیست رهبانی را بازنمایی می‌کنند. در این چارچوب، بدن‌ها کمتر به عنوان سوژه‌های فردی و بیشتر به مثابه واحدهایی درون یک سامانه رفتاری دیده می‌شوند؛ سامانه‌ای که در آن، انضباط، سکون و کنترل حرکتی به مؤلفه‌های اصلی دلالت بدل می‌شوند. اهمیت این نکته در آن است که کتاب، تجربه معنوی را نه با بیان مستقیم، بلکه از طریق سازمان‌دهی بدن‌ها در فضا منتقل می‌کند و بدین ترتیب، امر نامرئی را از راه عینیت‌های دیداری قابل خواندن می‌سازد.

پیرامتن‌های کتاب، از جمله یادداشت‌های مقدماتی و اطلاعات شناسنامه‌ای، نه به عنوان ضمیمه، بلکه به مثابه آستانه‌های ورود عمل می‌کنند. این بخش‌ها چارچوب جغرافیایی و انسانی پروژه را تثبیت می‌کنند و به مخاطب امکان می‌دهند با پیش‌زمینه‌ای مشخص وارد جهان کتاب شود.

همچنین، استفاده از کپشن‌های دوزبانه در بدنه کتاب، نظامی ارجاعی ایجاد کرده است. این کپشن‌ها، در عین فراهم کردن اطلاعات لازم برای خوانش مستند عکس‌ها، نقش راهنمای معنایی نیز دارند و از پراکندگی تفسیرها می‌کاهند. با این حال، نسبت متن و تصویر به گونه‌ای تنظیم شده که کپشن‌ها بر تصویر غلبه نمی‌کنند، بلکه در کنار آن قرار می‌گیرند و خوانش را هدایت می‌کنند.

آنچه در «راهبه‌ها» اهمیت می‌یابد نه صرفاً ثبت چهره‌ها یا موقعیت‌های منفرد، بلکه صورت‌بندی نوعی هویت جمعی از خلال تکرار است. کتاب با کنار هم قرار دادن بدن‌هایی مشابه، پوشش‌هایی همسان و فضاهایی هم‌ریخت، فردیت را در دل یک نظم آیینی قرار می‌دهد و از این طریق، به جای تأکید بر تمایزهای شخصی، بر اشتراکات رفتاری و زیستی تکیه می‌کند. این همسان‌سازی، به معنای حذف معنا نیست، بلکه سازوکاری

است برای تولید معنا از خلال تکرار تفاوت‌های بسیار جزئی؛ تفاوت‌هایی که تنها درون یک نظام منسجم از پیش‌ساخته‌ها قابل تشخیص‌اند. در نتیجه، مخاطب نه با مجموعه‌ای از پرتره‌های مستقل، بلکه با شبکه‌ای از نشانه‌ها مواجه می‌شود که هویت را به مثابه امری رابطه‌ای و نه منفرد پیش می‌کشد.

در ارزیابی کلی، «راهبه‌ها» را می‌توان اثری موفق در حوزه نحو تصویر دانست. کتاب از روایت خطی صرف فاصله می‌گیرد و به سوی نوعی روایت محیطی حرکت می‌کند. مهم‌ترین نقطه قوت آن، انسجام میان ساختار فیزیکی کتاب و محتوای موضوعی آن است. هندسه صفحات، کیفیت کاغذ و مدیریت سکوت‌های بصری، همگی در خدمت انتقال فضای صومعه قرار می‌گیرند.

در عین حال، می‌توان به کیفیت بازتولید جزئیات نوری در برخی تصاویر نیز توجه کرد. در اثری که تا این اندازه بر سایه و روشنی تکیه دارد، دقت در بازنمایی طیف‌های خاکستری و تیرگی‌ها برای حفظ نظام بصری اهمیتی اساسی دارد. این نکته، بیش از آنکه از ارزش اثر بکاهد، بر اهمیت کیفیت چاپ در چنین پروژه‌ای تأکید می‌کند.

«راهبه‌ها» فقط سندی تصویری از یک زیست‌بوم خاص نیست، بلکه پروژه‌ای در باب صورت‌بندی سکوت است. کاظمی با استفاده از نظامی دقیق در چیدمان تصویر، صفحه و مکث، تجربه راهبانی را به تجربه‌ای بصری تبدیل کرده است. این کتاب نمونه‌ای موفق از هم‌نشینی پیرامتن و بدنه است؛ جایی که سکوت صفحات به اندازه تصاویر در تولید معنا سهم دارد. در نهایت، «راهبه‌ها» را می‌توان نه فقط یک کتاب، بلکه مکانی کاغذی دانست که مخاطب در آن با منطق سکوت، غیاب و حضور مواجه می‌شود.

تابستان ۱۴۰۵ - سپهر رمجی